



هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی/استان های فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد سال ۱۸/ شماره ۵۲۱/ قیمت ۲۰۰۰ تومان / ۴ صفحه/ چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۹/ ۳ شعبان ۱۴۴۲/ ۱۷ مارس ۲۰۲۱

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید سعید مبعث بیان کردند؛  
**دو هدف دشمن در جنگ نرم؛ شکستن زنجیره توأسی و وارونه نمایی از حقایق**

از آقای نماینده چه خبر؟  
پیگیری های نماینده پر تلاش  
شهرستان های کازرون و کوه چنار برای  
آغاز عملیات اجرایی بیمارستان ۲۱۷  
تختخوابی پردیسی کازرون، پس از توقف  
چندساله، به ثمر رسید

آرامش حقیقی و همخانه شدن با  
یگانه آشنا  
محمد بارونی

عملیات کربلای ۵  
قسمت چهارم  
دکتر حاج کاظم پدیدار

حافظ از نگاه مردانی  
مهدی تقی نژاد

نوروز نو مبارک

آنسوی تکریت  
(ناگفته هایی از اسارت)  
قسمت دوازدهم  
سردار عبدالخالق فرهادپور

عملیات والفجر ۸  
(قسمت پنجم)  
به روایت:  
موسی سلیمانی

**راهنمای پیشگیری و کنترل ویروس کرونا در ادارات**

توصیه ها برای بخش نگهداری و توزیع مواد غذایی و سرویس های بهداشتی

- نصب تابلوهای آموزش پیشگیری از انتقال بیماریهای تنفسی به تعداد کافی در محل
- نصب دستورعمل شستن دست ها برای پیشگیری از انتقال بیماریهای تنفسی به تعداد کافی در محل سرو مواد غذایی و سرویس های بهداشتی
- وجود مواد شوینده، گندزدا، امکانات و تجهیزات نظافت به مقدار کافی و لازم در محل
- استفاده از هواکش و سیستم تهویه مناسب در آشپزخانه و رستوران و سرویس های بهداشتی
- ممناعت از ادامه فعالیت پرسنل بیمار و مشکوک به بیماریهای تنفسی
- استفاده از پرسنل مخصوص به عنوان مسئول نظافت و استفاده از ماسک، دستکش، چکمه و لباس کار در هنگام نظافت
- نظافت و گندزدایی دستگیره های در، زرده پله ها و سرویس های بهداشتی به صورت مستمر و سایر سطوح مانند کف اتاق ها، راهروها، سالن های بخش تولید و ..
- جداسازی سطل دستمال ها، وسایل نظافت و گندزدایی سرویس های بهداشتی از وسایل مکان های دیگر از جمله آشپزوری
- جمع آوری دستمال کاغذی های استفاده شده و همچنین وسایل یکبار مصرف نظافت در کیسه های پلاستیکی
- محکم و سطح های درب دار پدالی و دفع آنها در آخر هر نوبت کاری توسط مسئول نظافت همان شیفت
- مجزا بودن کلیه لوازم مورد استفاده بهداشتی برای هر فرد مقیم و پرسنل
- استفاده از جادر نماز، مهر و سجاده شخصی در نمازخانه
- شستشو، نظافت و گندزدایی مستمر سرویس های بهداشتی
- نظافت، شستشو و گندزدایی تمام سطوح سرویس های بهداشتی بعد از هر شیفت به طور مرتب
- وجود سیستم لوله کشی صابون مایع و یا حداقل ظرف همراه با مایع دستشویی در محل سرویس های بهداشتی
- ترجیحاً شیرهای سرویس های بهداشتی از نوع اتوماتیک باشد تا نیاز به تماس دست برای قطع و وصل آب هنگام شستشوی دستها نباشد.
- بعد از درب خروجی سرویس های بهداشتی محلول شستشویی دست نصب گردد. تا پس از بستن در سرویس بهداشتی امکان ضد عفونی دست وجود داشته باشد.
- شستشو و گندزدایی مستمر کلیه قسمت های آشپزخانه و یا محل های جانبی
- آموزش های لازم به پرسنل آشپزخانه و پرسنل خدمات جهت استفاده از دستکش یک بار مصرف در هنگام کار آموزش نحوه شستن دست ها برای پیشگیری از انتقال ویروس به پرسنل آشپزخانه و سایر پرسنل به طور خاص -
- سرو نمک، فلفل، سماق و آب خوردن در بوفه، آبدارخانه یا آشپزخانه و سالن پذیرایی در بسته بندی های یکبار مصرف و یا در غیر اینصورت گندزدایی مناسب ظروف حاوی آنها رعایت مسایل بهداشت فردی
- پرهیز از دست دادن به یکدیگر به دلیل مسایل بهداشتی استفاده از دستمال کاغذی هنگام عطسه یا سرفه کردن و شستن مرتب دست ها با آب و صابون
- استفاده از شوینده های با پایه الکل بدون نیاز به آب توصیه می شوند.
- استفاده از هواکش و بازگذاشتن درها و در صورت امکان پنجره ها نکات مهم در زمان نظافت و گندزدایی
- گندزدایی در پایان هر شیفت کار و در میانه شیفت انجام گردد.
- نظافت سطوح دارای تماس مشترک شامل: میله های افقی و عمودی، دستگیره ها، پشتی صندلی ها و وسایل حمل و نقل عمومی با کمک مواد شوینده و سپس توسط ماده گندزدای مایع الکلی بر پایه کوآترن آمونیوم و یا
- کمک دستمال تمیز دیگری گندزدایی انجام گردد.
- هنگام گندزدایی و نظافت مکان اداره باید خالی از کارمندان بوده و درها و پنجره ها باز گذاشته شوند و هواکش جهت تهویه بهتر هوا نیز روشن باشد.
- در مرحله نظافت و گندزدایی جدا از یکدیگر بوده و نباید هیچگونه اختلالی بین شوینده و گندزدا انجام گیرد.
- محلول گندزدا باید روزانه تهیه و استفاده شود.
- گندزدا باید با آب سرد یا معمولی تهیه گردد.
- فرد/ افراد مسئول نظارت در هنگام نظافت باید از وسایل حفاظت فردی شامل ماسک، دستکش و لباس کار مناسب و مقاومت در برابر خوردگی آب ژاول استفاده نمایند.
- لازم است در حین کار با ترکیبات گندزدای پایه کلره از جریان مناسب هوا در محل گندزدایی استفاده کرد تا انتشار ترکیبات کلر در فضای بسته باعث مسمومیت افراد گردد.
- در حین کار با ترکیبات کلر و اسیدی لازم است از ماسک صورت و با کار ترجیح مناسب برای گاز و بخارهای اسیدی استفاده شود.
- در حین کاربرد مواد شیمیایی لازم است از دستکش های مقاوم در برابر خوردگی اسیدی استفاده شود.
- ماده مناسب برای گندزدایی بر پایه آب، الکل و یا هیپوکلریت سدیم - ۰.۱ درصد ( می باشد).
- ۴ قاشق مرباخوری از محلول وایتکس در چهار لیوان آب سرد در ظرف پلاستیکی در دار تهیه شود.
- برای نظافت سطوح در ادارات لازم است دستمال مجزا استفاده شود و پس از هر بار نظافت دستمال ها حتماً شسته و گندزدایی شوند تا برای نوبت بعدی استفاده آماده گردند.
- جهت زدودن و کاهش بار آلودگی سطوح از عامل بیماریزا، ابتدا سطوح با دستمال مرطوب و آغشته به مواد شوینده نظافت می گردد.
- گندزدایی توسط دستمالی جداگانه که با محلول گندزدا مرطوب و خیس شده برای سطوح انجام می شود.
- در این قسمت دستمال در سطل یا ظرفی که محتوی محلول گندزدا است غوطه ور شده و پس از فشردن و زدودن محلول اضافی بر روی کلیه سطوحی که تماس مشترک برای آنها وجود دارد کشیده می شود.
- در نظر داشته باشید که رطوبت ناشی از آغشته شدن سطوح (میله ها، دستگیره ها و سایر سطوح) به مواد گندزدا باید در معرض هوا خشک شده و از خشک کردن سطوح با وسایل و یا دستمال دیگر خودداری نمایند.
- مدت زمان حدود ۱۵ دقیقه ماندگاری برای اثربخشی مواد گندزدا بر روی سطوح پیش بینی می شود.
- لازم است نظافت از یک نقطه آغاز و در طرف یا نقطه مقابل به پایان برسد.
- دستمال ها و وسایلی که برای نظافت کارگاه ها استفاده می شود باید از وسایلی که برای شستشو و نظافت سرویس های بهداشتی بکار می رود جدا بوده و در هیچ شرایطی مشترکاً استفاده نگردد.
- محل نگهداری مواد شوینده و گندزدا، لباس و وسایل حفاظتی مربوطه باید پیش بینی شود.
- لازم است همواره در ادارات جعبه کمک های اولیه مستعمل بر حداقل موارد ذیل باشد: یک جعبه دستکش یکبار مصرف، ماده چشم شوی، یک بشیشه ماده ضدعفونی کننده پوست و محل جراحی، ماده شوینده نظیر صابون و
- ترجیحاً صابون مایع یا صابون با پایه الکلی بدون نیاز به شستشو با آب، ۱۰ عدد گاز استریل، ۱۰ رول باند، یک پماد سوختگی، یک عدد قیچی، پنبه به مقدار کافی و ده عدد چسب زخم.
- منبع: سایت وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران.

جهت تحریم چهارشنبه سوزی  
و پیشگیری از ویروس کرونا  
امسال در کنار خانواده در منزل می مانیم

روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کازرون

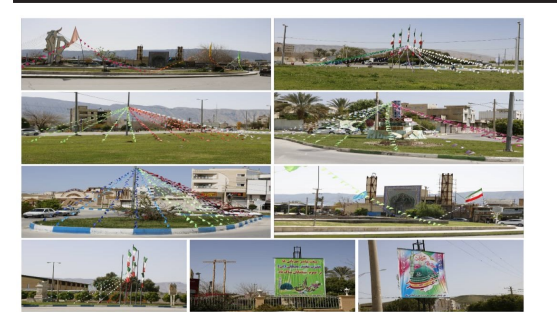
خاطرات آزادهی سرافراز عبدالخالق فرهادپور را در شهر سبز دنبال کنید





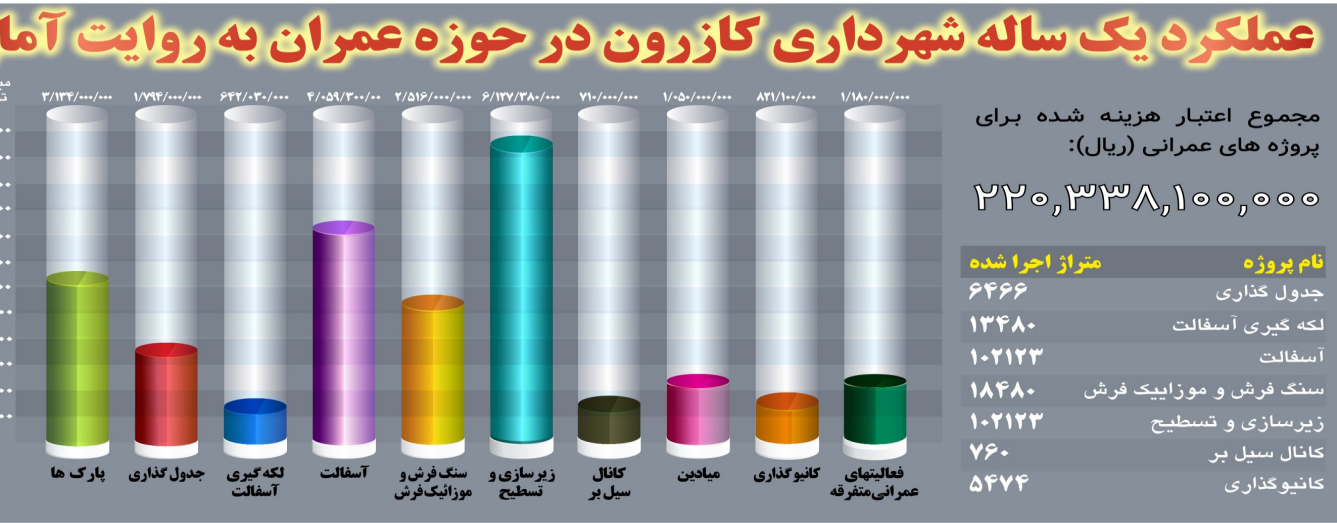


فضاسازی سطح شهر به مناسبت میث حضرت رسول اکرم (ص)



شهرداری کازرون در سال ۹۹ با ارائه بودجه تقریباً دو برابری نسبت به سال قبل و در حالی که بسیاری از منابع درآمدی شهرداری محدود یا حذف شده بود، تمام تلاش خود را کرد تا با حمایت بی نظیر شورای شهر، بخش کوچکی از عقب ماندگی‌هایی که در حوزه سازندگی و عمران شهری طی سالیان گذشته به وجود آمده بود را جبران نماید.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، پیرو همین سیاست و بر اساس برنامه‌ریزی های انجام شده، شهرداری در سال ۱۴۰۰ علاوه بر ادامه روند بازسازی شهر، برنامه ویژه ای برای زیباسازی و احیای منظر، سیما و مبلمان شهری خواهد داشت و در این راه قطعات مشارکت و حمایت شهروندان راهگشا خواهد بود.



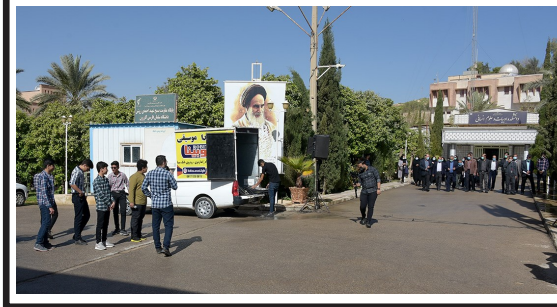
## استقبال از سال جدید و پاسداشت اعیاد مذهبی، با نواهای شادمانه آیینی و ملی با اجرای گروه سرود مالک اشتر برای کارکنان دانشگاه سلمان فارسی کازرون

در آستانه فرارسیدن ماه مبارک شعبان و سالروز ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار و ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) و روز جانباز و در پی فرارسیدن عید سعید میث و همچنین در آستانه فرارسیدن نوروز و سال جدید خورشیدی، اعضا گروه سرود مالک اشتر با حضور غیرمنتظره در محوطه دانشگاه سلمان فارسی کازرون، به هنرنمایی پرداختند.

پنا به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه سلمان فارسی کازرون، طی اجرای این گروه سرود که به دعوت ریاست دانشگاه سلمان فارسی کازرون و بدون اطلاع قبلی به کارکنان این دانشگاه برگزار گردید، چهار سرود آیینی و ملی در محوطه دانشگاه اجرا شد تا ضمن رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مبنی بر اجرای مراسم در فضای آزاد، کارکنان دانشگاه سلمان فارسی کازرون با اجرای برنامه‌ای شاد و با نواهای شادمانه آیینی و ملی به استقبال از سال جدید رفته و به پاسداشت اعیاد مذهبی بپردازند.

دکتر غریب فاضل‌نیا، رئیس دانشگاه سلمان فارسی کازرون، در حاشیه اجرای این ویژه‌برنامه که مورد استقبال کارکنان دانشگاه و جمعی از شهروندان کازرونی که از فضاهای بیرونی دانشگاه به تماشاای این رویداد فرهنگی پرداختند، قرار گرفت، ضمن تبریک ایام فرخنده و مجموعه مناسبت‌های آیینی و ملی، به خاطر سیری نمودن یک سال کاری و خدمت‌گزاری خالصانه به دانشجویان و جوانان ایرانی ذیل تحقق میثاق‌نامه کاری کارکنان دانشگاه سلمان فارسی کازرون، از زحمات کارکنان این دانشگاه در سال گذشته قدردانی نمود و اظهار امیدواری کرد بتوان ذیل تحقق راهبرد وفاقی و تلاش براساس آن میثاق‌نامه و به میمنت روزهای فرخنده و ولادت‌های آیینی که در آنها قرار داریم، سال جدید را با روحیه و توانی مضاعف برای خدمت هرچه بیشتر به عموم مردم جامعه و به ویژه جامعه دانشگاهی کشور آغاز نماییم.

گفتنی است گروه سرود مالک‌اشتر، گروهی متشکل از جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان کازرونی است که سرودهایی آیینی و ملی را در فضاهای عمومی اجرا می‌کنند. یکی از چهار سرود اجرا شده توسط گروه سرود مالک اشتر در دانشگاه سلمان فارسی کازرون، برای نخستین بار اجرا می‌شد. سرپرستی این گروه را علی فرهمند و کارگردانی و مدیر هنری آن را خالق پیش‌بین بر عهده دارند.



مقایسه با دیگر شهرستان‌ها گفت: بیمارستانی که همزمان با دیگر بیمارستان شهرستان های دیگر کلنگ‌زنی شده است، پیشرفت بسیاری داشته اما پروژه‌های شهرستان ما دچار عقب ماندگی شده‌اند و این بیمارستان حداکثر ۱۷ درصد پیشرفت داشته است.

رئیس اداره راه و شهرسازی کازرون با اشاره به توافقات دو هفته قبل در تهران در دیدار های متعدد دکترعباسی دوانی با وزیر، با توجه به سرانه ۵۰۰ تخت بیمارستانی اعلام شده از سوی وزارت بهداشت برای این منطقه گفت: ما تنها ۱۶۰ تخت در شهرستان داریم که کمتر از نیمی از سرانه عنوان شده است، در حالی که موقعیت جغرافیایی شهرستان به گونه‌ای است که به شهرستان های همسایه نیز خدمات ارائه می‌دهد که نیازمند سرعت بخشی در این پروژه جهت ادای حق مردم شهرستان کازرون است.

در ادامه این نشست علی نبیان معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه به گفتهی دکتر عباسی دوانی بیمارستان یکی از دغدغه‌های به حق مردم است ، خاطرنشان کرد: لازم است از دکتر فریدون عباسی دوانی نماینده مردم فهیم این منطقه و رئیس محترم کمیسیون انرژی، تشکر ویژه کنم که دغدغه شهرستان را بیان داشته و پیگیری کردند که این بیمارستان زودتر ساخته شود.



## آغاز عملیات اجرایی بیمارستان ۲۱۷ تختخوابی پردیس کازرون با حضور دکتر علی نبیان معاون وزیر راه و شهرسازی به دعوت دکتر عباسی نماینده مردم کازرون و کوه‌چنار

## اخبار شهرداری کازرون

جناب آقای مهندس محمدامین مهرورز شهردار محترم، ساعی و پرتلاش کازرون ۲۵ اسفندماه که مقارن است با سال‌روز شهادت سردار مهدی باکری و به نام روز شهردار نام‌گذاری شده است به جناب‌عالی و مجموعه تحت امرتان در شهرداری کازرون تبریک می‌گویم

دستان پرتلاش و گام های استوار جناب عالی در خدمت‌رسانی به مردم فهیم و لایق کازرون در تحقق اهداف عالیه به سمت پیشرفت و شکوفایی کازرون عزیز را ارج می‌نهمیم

شورای اسلامی شهر کازرون

## گزارشی از عملکرد شهرداری کازرون در سالی که گذشت

شهرداری کازرون در سالی که گذشت خدمات متعددی را در حوزه‌های مختلف عمرانی، خدمات شهری، فنی و ساختمانی، مدیریت حمل و نقل، آتش‌نشانی، پسماند، منظر و سیما و شهر و ... در حد توان و بودجه موجود به شهروندان ارائه کرد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری کازرون، در حوزه عمران اقدامات مهمی همچون اصلاح هندسی پنج میدان، ایجاد تغییرات، اجرا و بهسازی هفت پارک و پارک حاشیه ای، بازگشایی شش مسیر، اجرای قریب به ۷ هزار متر جدول گذاری و تک لیه، حدود ۱۱۰هزار متر زیرسازی و تسطیح خیابانها و کوچه ها و معابر، قریب به ۶ هزار متر موزائیک فرش و سنگ فرش، بیش از ۱۲۰هزار متر آسفالت و لکه گیری آسفالت در مناطق مختلف شهر، احداث کانالهای سیل بر بیات و براتی، در حدود هزار متر جدول گذاری با تلاش شبانه روزی مهندسان، پرسنل و پیمانکاران به انجام رسید.

در این میان کلنگ زنی و اجرای فاز اول پروژه پارک تپه ای بعثت و پروژه مهم و بزرگ بازگشایی خیابان کارگر شمالی – مطهری را می توان از پروژه های شاخص شهرداری در سال ۹۹ نام برد.



## پیام تبریک مدیر آموزش و پرورش کازرون به مناسبت روز شهردار

معاون مدیرکل و مدیر آموزش و پرورش کازرون بمناسبت روز شهردار پیام تبریکی صادر کرد. به گزارش روابط عمومی مدیریت آموزش و پرورش کازرون، امیرحسین جمشیدی بمناسبت ۲۵ اسفندماه و فرا رسیدن روز شهردار پیام تبریکی صادر کرد. متن پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم هر آنکس خدمت جانان به جان کرد به گیتی نام خود را جاودان کرد یقیناً توسعه و پیشرفت هر شهری مرهون تلاش بی دریغ مسؤولین خدوم و دلسوزی می باشد که همواره جهت تعالی و ارتقاء آن شهر قدم برداشته و خدمتگزاری را مدال افتخاری برای خود می دانند. و بی تردید نقش و جایگاه شهرداری ها در ایجاد توسعه، افزایش امید و نشاط اجتماعی نقشی بی بدیل و ماندگار است .

شهردار محترم کازرون جناب آقای مهندس مهرورز با سلام و تحیات الهی

به پاس تلاش ها و زحمات مشمرتان در راستای توسعه و پیشرفت همه جانبه شهر کازرون و نیز تعامل شایسته شما با مجموعه مدیریت آموزش و پرورش این شهر، بر خود لازم می دانم ۲۵ اسفند را که به یاد سردارسرلشگر فرمانده جانباز مهندس مهدی باکری به روز شهردار نامگذاری شده را به شما تبریک گفته و از زحماتتان قدردانی نمایم .

امیدوارم شور شیرین خدمتتان در رویکرد انجام پروژه های شهری با برداشتن گام های اساسی در زمینه توسعه شهری که با تدبیر و تلاش همواره همسو بوده موجب رضایتمندی مردم خوب و خونگرم کازرون شود.

امیرحسین جمشیدی

معاون مدیرکل و مدیر آموزش و پرورش کازرون

## پیام تبریک شورای اسلامی شهر کازرون به مناسبت روز شهردار



## دیدار دکتر فریدون عباسی با معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی کشور جهت رفع کمبودها و پیگیری مشکلات میراث فرهنگی در منطقه

به گزارش روابط عمومی دفتر نماینده شهرستان‌های کازرون و کوه چنار، در راستای راهبرد جهاد خدمت دکتر فریدون عباسی برای پیشرفت منطقه، نماینده کازرون و کوه‌چنار برای دومین بار در دیدار با مقامات وزارت میراث فرهنگی،گردشگری و صنایع دستی کشور بر رفع کمبود ها و مشکلات میراث فرهنگی کازرون تاکید کرد.

این دیدار دکتر عباسی با محمدرحسن طالبیان معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که با هدف پیگیری مصوبات نشست پیشین (دیدار با وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور) صورت گرفت، دکتر عباسی با اشاره به اهمیت آثار تاریخی و فرهنگی شهرستان های کازرون و کوه چنار خواستار ارتقای جایگاه و امکانات اداره میراث فرهنگی کازرون شد و موقعیت این اداره را با توجه به تعداد و پیشینه ارزشمند آثار تاریخی و فرهنگی در شهرستان شایسته توجه بیشتری دانست.

نماینده مردم شهرستان های کازرون و کوهچنار با اشاره به وجود آثار و بناهای تاریخی در بافت سنتی شهر کازرون، خواستار همکاری مقامات وزارت میراث

## از آقای نماینده چه خبر؟

فرهنگی و گردشگری در جهت اختصاص بزرگ‌ترین خانه قاجاری کازرون به محل اداره میراث فرهنگی و گردشگری این شهرستان شد و بر لزوم توجه و برنامه ریزی برای نگهداری و احیای بافت های تاریخی منطقه تأکید کرد.

توجه هرچه بیشتر به مجموعه جهانی بیشاپور، تأکید بر برنامه ریزی برای ساماندهی نقش برجسته های ساسانی سرمشهد و توجه به ارتقای امکانات سخت افزاری و تجهیزات مورد نیاز اداره میراث فرهنگی از جمله دیگر موارد ذکر شده از سوی دکتر فریدون عباسی دوانی در دیدار با مقامات وزارت میراث فرهنگی و گردشگری بود که با استقبال دکتر طالبیان روبرو شد.

در این نشست معاونت فرهنگی وزارت میراث فرهنگی،گردشگری و صنایع دستی در جهت پیگیری درخواست ها و کاستی های اداره میراث فرهنگی شهرستان کازرون و قول مساعد داد.

## پیگیری های مجدانه نماینده پر تلاش شهرستان های کازرون و کوه چنار برای آغاز عملیات اجرایی بیمار ستان ۲۱۷ تختخوابی



## دیدار دکتر فریدون عباسی با معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگه و گردشگری و صنایع دسته کشور جهت رفع کمبودها و پیگیری مشکلات میراث فرهنگه در منطقه





### خاطرات آزاده سرافراز عبدالخالق فرهادپور



قسمت دوازدهم

«صلیب سرخ و اتفاقات بعقوبه» در مسیر تکریت به بغداد، عراقی‌ها هر کدام چیزی به ما می‌گفتند، یکی می‌گفت شماها اعداسی هستید ،یکی می‌گفت آزاد می‌شوید ، دیگری می‌گفت تبادل اسرا متوقف شده و... خلاصه بیشتر سعی در شکنجه روحی داشتند .بچه ها هم که اغلب زجر کشیده های ویژه بودند و در هر شرایطی سعی می‌کردند جلو دشمن کم نیاورند و کلسی با شوخی و خنده و بعضا پرخاشی به عراقی ها واکنش نشان می‌دادند مخصوصاچوالمردان مشتی، اتوبوس رفت تا به بغداد رسید و پس از مقداری مدتی و کسب تکلیف مجدداً حرکت کردند و با تعجب دیدیم واقعا انگار اتوبوس از بغداد خارج شد و ادامه مسیر داد ، از طریق یکی از محافظان مسلح عراقی و تابلو های راهنمایی در مسیر متوجه شدیم که مارا به سمت بعقوبه می‌برند ، حوالی عصر بود که به بعقوبه رسیدیم و مارا وارد یک قلعه بزرگ با دیوار های بلند کردند که انگار آثار باستانی و قدیمی بود . مارا پیاده کردند و مقداری که آنجا بودیم متوجه شدم عداای از اسرای ایرانی با ریش های بلند آنجا هستند و انگار بخاطر اینکه عراقی‌ها یکی از اسرا را کشته بودند اعصاب و تحمن کرده بودند و خواستار آن بودند که قاتل یا قاتنان این جنایت را محاکمه و بسزای اعمالشان برسانند و فکر کنم خواهان حضور صلیب سرخ و پیگیری ماجرا بودند، پس از شمارش و آمارگیری به داخل زندان های واقع در قلعه بردند ، قلعه دلگیر بود و فضای بسته و حال بهم زد ، بچه ها اشاره کردند که روی دیوارهای زندان اسامی و جملاتی زیاد به عربی نوشته شده ،دقت کردیم و دیدیم که انگار قبل از ما اسرای کویت را اینجا نگهداری کرده بودند چون علاوه بر اسامی عربی، نوشته بودند با شیخ صباح ادرکنی ، عاش الکویت (زنده باد کویت) الصوت لصدام ، پیروزی و آزادی کویت نزدیک است ، الصوت لعراق و... جملاتی که حکایت از حضور اسرای کویتی قبل از ما را داشت ،به هر حال تا اینجای کار سرنوشت ما معلوم نشود و هنوز نیروهای صلیب سرخ هم ندیدیم و نمی‌دانستیم چه خواهد شد ، غروب شد که مارا از زندان ها بسوی گوشه ای از محوطه قلعه آوردند و با نظم خاصی نتشاندند ، عده ای از افسران و نیروهای عراقی به سراغمان آمدند و افسر ارشد آنها نامش را عباس معرفی کرد و درجه اش هم سرگرد بود ،کلسی برائیمان سخنرانی کرد و از آزادی قریب الوقوع گفت و اینکه تا اقلاتی دیگر نیروهای صلیب سرخ جهانی به سراغمان خواهند آمد و شمارا ثبت نام خواهند کرد و کارهای آزادی

#### نوروز در کلام امام خمینی (ره)

من از خدای تبارک و تعالی در این سال نو عظمت اسلام، عظمت مسلمان، عظمت ملت شریف اسلام را خواهان هستم. و امیدوارم که این سال نو یک سال فرح و انبساطی برای ملت ما باشد؛ همه چیزها نو بشود؛ اخلاق نو بشود، اعمال نو بشود، همه چیزشان نو بشود. نو سوارزی از ایران بکنند و همه با هم دست به هم بدهند و این مملکت را بسازند. و چیز دیگری که می خواهم به ملت عرض کنم این است که توجه داشته باشند که در این ایام سال نو بسیاری از مستمندان، بسیاری از مستضعفین هستند که برای سال نویشان مثلاً نتوانسته اند آن چیزهایی را که می خواسته اند، بچه هایشان می خواستند، تهیه کنند. اینهایی که دارند به اینها کمک بکنند. و این جمعیتهایی که هستند از ایتام، از فقرا، از مستمندان، از مستضعفین، از اینها به اینها رسیدگی بکنند تا ان شاء الله خداوند سال نو را بر همه ما و بر همه مسلمین و بر همه امت اسلامی مبارک کند. خداوند به همه شما تأیید عنایت کند. (صحیفه امام، ج۱۲، ص: ۱۹۷-۲۰۱)

### آنسوی تکریت (ناگفته‌هایی از اسارت) قسمت دوازدهم

### «صلیب سرخ و اتفاقات بعقوبه»

شما را انجام می‌دهند، و کاری نکنید که مانع آزادی شما بشود و با آنها همکاری نکنید و فقط اسم و مشخصات و سوابقهایی که می‌رسند را جواب دهید و اقدامات غیر معمول انجام ندهید و... خیلی تعجب کردیم و بعداز آن رجزخوانی های عراقی‌ها و جنگ روانی و بحث اعدام ...، حالا اما این افسر چیز دیگری می‌گوید و صحبت از آمدن نیروهای صلیب سرخ و ثبت نام و آزادی می‌کرد ! خلاصه کمی گذشت و نیروهای صلیب سرخ جهانی با ماشین های مخصوص وارد محوطه شدند و پس از صحبت و هماهنگی با عراقی ها به سمت ما آمدند ، به سربازان عراقی که در کنار ما برای محافظت ایستاده بودند گفتند که از اینجا بروید و آنها را به بیرون از قفس و توری که اطراف محوطه بود فرستادند و انگار روش جاری صلیب سرخ این بود که وقتی نزد اسرا می آیند عراقی ها نباید همراه و نزدیک آنان باشند...

نیروهای صلیب سرخ که ما برای اولین بار در طول اسارت آنها را زیارت می‌کردیم، چهار یا پنج نفر بودند که دو نفر از آنها خانم بودند و این خانم‌ها به زبان فارسی مسلط بودند ،آنها با لباس ها و تیپ‌های با کلاس و اروپایی بودن ، و در مقابل آنها اسرای مطلوب که همه دربار و داغون و سیاه سوخته و با بدنهای شکنجه شده و بسیار کثیف و شپش زده ...، ابتدا خودشان را معرفی کردند و برامان توضیح دادند که باید شمارا ثبت نام و شماره مخصوص زندانیان جنگی و مخصوص صلیب سرخ جهانی دریافت کنید تا با افراد مشابه و اسرای عراقی مبادله شوید، و اضافه کردند پس از دریافت کارت و شماره صلیب سرخ ،هرکس تمایل به پناهندگی به کشور های دیگر دارد به ما اعلام کند. بعد شروع کردند به ثبت نام از اسرا ،خیلی تعجب کردیم و بودیم و باورمان نمی‌شد که صلیب سرخ چنین جایی را برای ثبت نام اسرا و تبادل پذیرفته باشد و هر کس در برابر گول به این قلعه و زندان های مخوف آن ، متوجه می‌شد که اسرای ایرانی در چه سياهچاله های قرون وسطایی پالها زندانی بودند .، به هر حال با عباس پاسدار و اقا حمزه و سایر های دیگر هم که صحبت می‌کردیم همه ناباورانه به این موضوع نگاه می‌کردند و ناراحت بودند ، پس از اینکه کار ثبت نام تمام شد و مطمئن شدیم که بالاخره برای اولین بار بعد از اسارت در سازمان صلیب سرخ جهانی بعنوان اسیر جنگی ثبت نام شده ایم ، منتظر فرصتی شدم تا پیگیر سرنوشت آقای قنبری فرامانده گردان ثارالله بشوم که پس از دو روز که در اوایل اسارت و در بصره باهم بودیم، متأسفانه او را از ما جدا کرده بودند و چون بعنوان فرمانده گردان لو رفته بود پس از بازجویی و شکنجه های سخت، او را برای بازجویی های بیشتر از بصره با هلی کوپتر به بغداد منتقل کرده بودند، و ما از آن به بعد تا الان که شاید شب آخر اسارت و حضورمان در عراق بود سرنوشت او خبری نداشتیم و در این مدت خیلی غصه خورده بودم و

## عملیات والفجر ۸

(قسمت پنجم)

**به روایت: موسی سلیمانی**

خاموش کردن تپوخانه‌ی ۳۰ کیلومتر بردی عراق است. شبکه‌ی دوم تلویزیون آلمان؛ تهران به تهدیدهای خود عمل کرد و جنگ وارد مرحله جدید شد. نشر دی‌ولت چاپ آلمان، حمل ایران را یک حرکت ریسکی خواند. مفسران رسانه‌های همگانی استرالیا عقیده دارند که قوای ایران زمان سختی را در پیش دارند. حمله‌ی ایران را در ردیف حمله‌ی اسرائیل به لبنان خواند و افزود السیا روزنامه کویتی و هندوستان تایمز: «عرب‌ها حتی در روز دزن را فراموش کرده‌اند. وقتی عراق در خاک ایران بود، عرب‌ها از عراق حمایت نکردند. حمله‌ی ایران، برگزاری کنفراس غیر متعهدا (در بغداد) را به خطر انداخته است. صدام فکر می‌کرد که می‌تواند انقلاب ایران را از بین ببرد. دکتر ولایتی در اجلاس فورالعاده وزیران خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، مواضع ایران را درباره‌ی ایران مهم منطقه‌ای تحسیر کرد و خسارت‌های جانی و اقتصادی وارده بر ایران را در اث حملات عراق برشمرد. دبیر کل سازمان ملل درباره‌ی چگونگی اجرای قطعنامه ۵۱۴ به شورای امنیت گزارش داد. - معاون وزیرخارجه‌ی انگلستان: عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است و تسهیلات کاملی برای تولید صدها تن گاز خردل و اعصاب (تابون) دارد. ۲۵/۰۴/۱۳۶۵: وزیر سپاه پاسداران؛ سپاه برای خاتمه‌ی جنگ، ۵۰۰ گردان تشکیل داده و قادر رد ۱۰۰۰ گردان دیگر برای جنگ سازماندهی کند. ما حداقل ۸۰ درصد از سلاح‌ها و تجهیزات مورد نیاز را در داخل تهیه می‌کنیم؛ بی. بی. سی؛ ایران احساس می‌کند اگر تواناند در این سال جنگ را خاتمه دهند، هیچ‌وقت نتخوانده توانست. گاردین؛ کاهش قیمت نفت، طرز فکر رهبران ایران را درگرونگ زده است. مجله سائوت به نقل از فرماندهی سپاه؛ ایران تاکنون فقط ۲ درصد نیروی انسانی و کمتر از ۸ درصد توان اقتصادی را به خدمت جنگ گرفته است. ۲۷/۴/۱۳۶۵؛ حمله‌ی گسترده‌ی هواپیماهای عراق به تنها پل فاو و معبر اصلی نیروی ایرانی. - انهدام پایگاه دریایی المقتصر عراق . ۰۷/۰۹/۱۳۶۵: دفاع ویلیام کیسی، رئیس سازمان اطلاعات آمریکا از طرح فروش سری تسلیحات به ایران (در رابطه با سفر مک‌فارلین)؛ رئیس‌جمهوری آمریکا مسئولیت تماس‌های محرانه با ایران را مامأ به عهده خود گرفته است. - استفاده‌ی عراق از گاز خردل جهت بازپس‌گیری فاو در فوریه‌ی گذشته. - تعلق ریکان برای توجیه سفر مک‌فارلین و اهداف برقراری رابطه با ایران را به قرار زیر اعلام کرد:

۱- تجدید روابط با ایران؛ ۲- پایان دادن به جنگ ایران و عراق؛ ۳- از بین بردن تروریسم دولتی و خرابکاری؛ ۴- تسریع در بازگشت سالم گروگانها. ۷/۱۰/۱۳۶۶؛ طارق عزیز پس از ملاقات با مقامات کویتی، عازم عربستان سعودی شد. - رفیق‌دوست؛ قدرت بمباران هوایی و مقابله به مثل دریایی جمهوری اسلامی با ساخت دو نوع سلاح موشکی، افزایش یافت. - وزیر ارشاد (حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی) وارد شهر فاو شد و از مناطق پیشرفته جنوب بازدید کرد. ۹- گردان نیروی سپیچی از اصفهان راهی جبهه‌ها شدند. - طالب بحرینی، اقدام اولین کشور را برای ایجاد پایگاه‌های نظامی-امریکا در خلیج فارس در محکوم کردند. - یک تفکثن نروزی توسط قایق‌های توبدار ناشناس در خلیج فارس، مورد حمله قرار گرفت. - هواپیماهای عراقی به ۳ تفکثن در مرکز نفتی جزیره‌ی لارک در دهانه ی خلیج فارس حمله کردند. - مواضع ارتش عراق در جبهه‌های شمال غرب به آتش کشیده شد. ساعت ۲۲ دقیقه روز ۱۱/۲۰ /۱۳۶۵- تسریع در بازگشت سالم گروگانها. حمله با قرازت رمز عملیات صادر شد: «بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العلی» فاتلوهش حتی لا تكون فتیه، یا فاطمه الزهرا(س)، یا فاطمه الزهرا(س)؛ یا فاطمه الزهرا(س)؛ پس از عبور مقاومت‌آمیز عویدان از رود خروشان اروند، یگان‌های نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش تهیه و شلیک هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر، آغاز و مبادرت به شکستن صف مقدم دشمن کردند. ادامه دارد ...

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی اسدزاده سردبیر و صفحه‌آرا: صدیقه طاهره اسدزاده هیئت تحریریه: محمد بارونی، سجاد زارع، فاطمه اسدزاده،علی‌اکبر فرشته‌حکمت آدرس: شیراز- چهارراه گمرک- ساختمان نادر- طبقه دوم-واحد۲۰۴ کازرون- شهرسبز را از نشر امامت خیابان شریعتی یا کتاب فروشی آملی خیابان شهداء جنوبی بگریزد شماره تماس: شیراز: ۰۹۱۷۳۲۱۰۳۵۷ و ۲۸۲۸۴۴۴ / کازرون: ۰۹۱۷۳۲۱۰۳۵۷.
رایانامه: shahresabz@gmail.com
کاتال سروش و اپتا: @shahresabzma
Shahr-sabz.ir
چچاپخانه: نشر فرهنگ اهواز



یکی از دژمخیمان تنها نقطه ای که در بدن آقا حمزه سالم دید ، گلولی حمزه بود که آمد انگشتش را محکم روی گلولی حمزه گذاشت و در حد مرگ تا دقایقی فشار داد که حمزه مقاومت عجیبی کرد و روی آن دژخیم را کم کرد، همچنین دو نفر دیگر را صدا زدیم و آثار شکنجه‌ها را به نیروهای صلیب نشان دادیم و آنها ظاهرا متاثر و متأسف شدند و ثبت می‌کردند ، به آنها گفتیم اگر روزی وجدانستان درد گرفت اینها را برای قضاوت تاریخ ثبت کنید، نیروهای صلیب خیلی اصرار کردند که شما از همین الان می‌توانید در کشورهای سوئیس، استرالیا، آلمان ، کانادا و چند کشور دیگر را نام بردند و گفتند در این کشورها منزل، ماشین ، امکانات و... همه چیز در اختیار شما هست و تا دوسال هم اصلا نمی‌خواهد کار بکنید و ... حمزه هم به آنها گفت ما فعلا نمی‌خواهیم و برآمده ای نداریم ک به شما پناه بیاوریم و...و هرچه اصرار کردند به ما که قبول کنید کسی استقبال نکرد و خاک میهن را که برای حفظ آن تا پای جان ایستادگی کرده بودند را ترجیح دادند، عراقی ها هم از دور شروع به داد و فریاد و اعتراض کردند و مانده بودند چه خبر شده و ما داریم چکار می‌کنیم و ما را فریادهای بلند تهدید می‌کردند که نیروهای صلیب سرخ آنها را به سکوت دعوت کردند و به بچه ها گفتند بروید و با هم بنشینید ، بچه های هم مثل ممد جعفری برای مسخره عراقی‌ها به آنها می‌گفتند آمریکا، انگلیس ، سوئیس، نبود؟ داریم درمورد پناهندگی صحبت می‌کنیم که باعث خنده بچه‌ها شده بود، در این فرصت شروع کرد به آنها در مورد وضعیت‌های قبلی قنبری فرمانده گردان ثارالله صحبت کردم و گفتنم در فلان تاریخ یکی از اسرای که به بصره با ما بوده را از ما جدا کردند و با هلی کوپتر به بغداد منتقل کردند، از آن تاریخ تا کنهن هیچگونه اطلاعاتی از وضعیت او نداریم و عکس های او هم در تمامی روزنامه های آن تاریخ در عراق منعکس شده و باید پیگیر سرنوشت او و آزادی او باشیم ، مشخصات کامل او را از من پرسش کردند که فورا به آنها دادم و ثبت کردند و قول دادند حتما پیگیری خواهند کرد ، چه اوضاعی شده بود و بچه‌ها با در دست داشتن کارت و روغت صلیب سرخ انگار برای اولین بار حس می‌کردند که در این وضعیت مفقودالای و ثبت نام نشده و عالم برزخ خارج شده و بالاخره جزو آمار زنده‌ها ثبت نام شده‌اند و بعضا بلند فریاد می‌زدند تهران، نبود؟ اصفهان ، کازرون، نبود؟ شوش ، مولوی ، راه آن، فلاخ ... و نبود؟ و با این شوخی‌ها داشتند باور می‌کردند که انگار واقعا قرار است به وطن بازگردند. پس از این اتفاقات و با پایان یافتن کار ثبت نام اسرا ، مارا سوار اتوبوس کردند برای رفتن به سمت ایران ، چند بار آمار کردند و مارا گرفتند و نیروهای امنیتی و محافظ عراقی تقسیم شدند و هرچند نفر مسلح در یک

## عملیات کربلای ۵

قسمت چهارم

**راوی: دکتر حاج کاظم پدیدار**

عدم دید عراقی‌ها مستقیم به سمت مقر فرماندهی عراقی‌ها رفتیم. دور تا دور مقر عراقی‌ها میدان مین و سیم خاردار بود. چون روز دوسیم خاردار، مین‌ها و سیم‌های تله آن‌ها پیدا بود، هاشم گفت: من به میدان مین می‌زنم، با فاصله بایدید و با جای پای من بگذارید. لطف خداوند و عنایت حضرت صاحب الامر(عج) کمک کرد و بدون هیچ گونه تلفاتی من میدان مین به سمت خاردار را به سلامتی رد شدم.این حرکت هاشم باپیگیری جگرسیرمیخواست که خوشبختانه ایشان داشتند. در صورت انفجار و یا رؤیت ما توسط عراقی‌ها، خدا می‌داند که چه تلفاتی از ما گرفته می‌شد، پس به سر عراقی‌ها در یک خاکریز که دور تا دور مقر عراقی‌ها بود سازمان جدید گرفتیم.عراقی‌ها در آن سوی راه دور بزمیم و از پشت سر به مقر فرماندهی تپت عراقی‌ها حمله کنیم. گفتنم ولی با باید با برادر رودکی هماهنگی کنیم. در تماس با برادر رودکی به هر دو مسئله یعنی دستور برادر سلطان آبادی و پیشنهاد برادراعتمادی اشاره کردم. ایشان گفتند که با برادر هاشم برو و هر چه گفت انجام بده. بسیار خوشحال شدم و خداوند را سپاس گفتم که در آزمون قبلی یازدهنی آزمون نشدم. حال که از پشت مرگ حتمی نجات یافته بودیم با انگیزه مضاعفی یک سر راهشیم به برادر افتادیم. عزیزان خواننده دقت داشته باشند که حرکت ۳۰۰ نفر نیروی رزمنده با سلاح و تجهیزات، در زیر آتش، در کتالی که برای تردرپیک فرساخته شده، تردردخوشن نوعی عملیات به حساب می‌آید ولو این که هیچ درگیری فیزیکی هم با کسی نداشته باشی. ۳ کیلومتری به عقب برگشتیم، در سیم نداشتیم برگشت با گردان‌های جلورونده در کاتال بر خوردهای داشتیم که سبب کندی حرکت می‌شد. به خط اول عراقی‌ها رسیدیم. این‌جا به بعد می‌بایستی به سمت راست می‌رفتم. می‌دیدم، جلوتر که رفتم عراقی‌ها مسیر حرکت ما را زیر آتش شدید تانک گذاشتند.

تانک‌ها را که از فاصله کمی دورتر به سمت ماشلیک می‌کردند می‌دیدم ولی چون ماوریت ما دور از آن‌ها بود و امکان شکار تانک‌ها هم برای ما میسر نبود، اجباراً به راهمان ادامه دادیم.در بین راه صحنه‌های رقت بار و جان گدازی را شاهد بودیم. تعدادی از هم‌زمان که ظاهراً از برادران تبریزی بودند زیر آوار سنگ‌های عراقی‌ها که به وسیله‌ی تانک‌ها زده شده بودند مانده بودند، بعضی از آن‌ها هنوز زنده بودند و با زبان ترکی درخواست کمک می‌کردند. تعدادی از آن‌ها شهید شده بودند و به دلیل شدت درگیری امکان تخلیه‌ی آنان فعلاً میسر نبود.

این صحنه‌ها را با همه‌ی هیاهایش باید می‌دیدیم و در محله‌ی گافی اتفاق می‌افتاد که پشت سرم را که ننگه می‌کردم می‌دیدم نیروها نیامده‌اند. برمی‌گشتم و متوجه می‌شدم که بر اثر شلیک تانک به کاتال چند نفر مجروح شده و برادران را گرفتار نموده است. به زحمت آن‌ها را حرکت می‌دادم گاهی جلو گردان، گاهی عقب گردان در کاتال گرفتار گلوله‌های مستقیم تانک‌ها می‌شدند و این مهم کار را در ادامه دادن مسیر بسیار بسیار دشوار می‌نمود. با همه سختی‌هایش موقتاً از تیر رس تانک‌ها خارج شدم و خود را به عقب دشمن رسانیدم. جایی که عراقی‌ها تصور حضور ما را نمی‌کردند. یک سازماندهی مختصری انجام دادیم. تعدادی از نیروها در این مسیر با به شهادت رسیدند یا مجروح گردیدند که با این حجم آتش و نیرو قابل پیش بینی بود. با برادر اعتمادی و هماهنگی‌های لازم صورت گرفت. از این مسیر و به دلیل

پس از ۵۴ ساعت بی‌خوابی و فعالیت مستمر، فرصتی برای استراحت پیش آمد. صبح زود و پس از قرائت نماز به اتفاق برادر استوار به سمت برادر دهقان حرکت کردیم. کشته‌های عراقی‌ها که هنگام فرار با تیربار زده شده بودند از نزدیک دیدیم. از آن‌ها عبور کردیم و به هرمز رسیدیم. هرمز یک توضیح مختصری درباره‌ی وضعیت خود و گروهانش از دیشب تا‌به حال دادند.

ایشان گفتند که پس از تعقیب ما عراقی‌ها به یک خاکریز رسیدند و پشت خاکریزها موضع گرفتند و به سوی ما تیراندازی کردند. ما هم در خاکریزی موضع گرفته و تا نیمه‌های شب با هم درگیر بودیم. به اتفاق هرمز و بقیه موتورش به سمت هاشم حرکت کردیم. هنوز هوا روشن نشده بود. وقتی به خاکریز استقرار عراقی‌ها رسیدیم، خبری از آن‌ها نبود. ظاهراً آن‌ها فرار کرده بودند و چون اطراف پنج ضلعی حرکت هاشم باپیگیری جگرسیرمیخواست که خوشبختانه ایشان داشتند. در صورت انفجار و یا رؤیت ما توسط عراقی‌ها، خدا می‌داند که چه تلفاتی از ما گرفته می‌شد، پس به سر عراقی‌ها در یک خاکریز که دور تا دور مقر عراقی‌ها بود سازمان جدید گرفتیم.عراقی‌ها در آن سوی راه دور بزمیم و از پشت سر به مقر فرماندهی تپت عراقی‌ها حمله کنیم. گفتنم ولی با باید با برادر رودکی هماهنگی کنیم. در تماس با برادر رودکی به هر دو مسئله یعنی دستور برادر سلطان آبادی و پیشنهاد برادراعتمادی اشاره کردم. ایشان گفتند که با برادر هاشم برو و هر چه گفت انجام بده. بسیار خوشحال شدم و خداوند را سپاس گفتم که در آزمون قبلی یازدهنی آزمون نشدم. حال که از پشت مرگ حتمی نجات یافته بودیم با انگیزه مضاعفی یک سر راهشیم به برادر افتادیم. عزیزان خواننده دقت داشته باشند که حرکت ۳۰۰ نفر نیروی رزمنده با سلاح و تجهیزات، در زیر آتش، در کتالی که برای تردرپیک فرساخته شده، تردردخوشن نوعی عملیات به حساب می‌آید ولو این که هیچ درگیری فیزیکی هم با کسی نداشته باشی. ۳ کیلومتری به عقب برگشتیم، در سیم نداشتیم برگشت با گردان‌های جلورونده در کاتال بر خوردهای داشتیم که سبب کندی حرکت می‌شد. به خط اول عراقی‌ها رسیدیم. این‌جا به بعد می‌بایستی به سمت راست می‌رفتم. می‌دیدم، جلوتر که رفتم عراقی‌ها مسیر حرکت ما را زیر آتش شدید تانک گذاشتند.

تانک‌ها را که از فاصله کمی دورتر به سمت ماشلیک می‌کردند می‌دیدم ولی چون ماوریت ما دور از آن‌ها بود و امکان شکار تانک‌ها هم برای ما میسر نبود، اجباراً به راهمان ادامه دادیم.در بین راه صحنه‌های رقت بار و جان گدازی را شاهد بودیم. تعدادی از هم‌زمان که ظاهراً از برادران تبریزی بودند زیر آوار سنگ‌های عراقی‌ها که به وسیله‌ی تانک‌ها زده شده بودند مانده بودند، بعضی از آن‌ها هنوز زنده بودند و با زبان ترکی درخواست کمک می‌کردند. تعدادی از آن‌ها شهید شده بودند و به دلیل شدت درگیری امکان تخلیه‌ی آنان فعلاً میسر نبود.

این صحنه‌ها را با همه‌ی هیاهایش باید می‌دیدیم و در محله‌ی گافی اتفاق می‌افتاد که پشت سرم را که ننگه می‌کردم می‌دیدم نیروها نیامده‌اند. برمی‌گشتم و متوجه می‌شدم که بر اثر شلیک تانک به کاتال چند نفر مجروح شده و برادران را گرفتار نموده است. به زحمت آن‌ها را حرکت می‌دادم گاهی جلو گردان، گاهی عقب گردان در کاتال گرفتار گلوله‌های مستقیم تانک‌ها می‌شدند و این مهم کار را در ادامه دادن مسیر بسیار بسیار دشوار می‌نمود. با همه سختی‌هایش موقتاً از تیر رس تانک‌ها خارج شدم و خود را به عقب دشمن رسانیدم. جایی که عراقی‌ها تصور حضور ما را نمی‌کردند. یک سازماندهی مختصری انجام دادیم. تعدادی از نیروها در این مسیر با به شهادت رسیدند یا مجروح گردیدند که با این حجم آتش و نیرو قابل پیش بینی بود. با برادر اعتمادی و هماهنگی‌های لازم صورت گرفت. از این مسیر و به دلیل



هاشم اعتمادی

قسمت چهارم: در اندیشه ی این تدبیر سیر می‌کردیم که تا ناگهان به برادر هاشم اعتمادی



یک خاکریز رسیدند و پشت خاکریزها موضع گرفتند و به سوی ما تیراندازی کردند. ما هم در خاکریزی موضع گرفته و تا نیمه‌های شب با هم درگیر بودیم. به اتفاق هرمز و بقیه موتورش به سمت هاشم حرکت کردیم. هنوز هوا روشن نشده بود. وقتی به خاکریز استقرار عراقی‌ها رسیدیم، خبری از آن‌ها نبود. ظاهراً آن‌ها فرار کرده بودند و چون اطراف پنج ضلعی حرکت هاشم باپیگیری جگرسیرمیخواست که خوشبختانه ایشان داشتند. در صورت انفجار و یا رؤیت ما توسط عراقی‌ها، خدا می‌داند که چه تلفاتی از ما گرفته می‌شد، پس به سر عراقی‌ها در یک خاکریز که دور تا دور مقر عراقی‌ها بود سازمان جدید گرفتیم.عراقی‌ها در آن سوی راه دور بزمیم و از پشت سر به مقر فرماندهی تپت عراقی‌ها حمله کنیم. گفتنم ولی با باید با برادر رودکی هماهنگی کنیم. در تماس با برادر رودکی به هر دو مسئله یعنی دستور برادر سلطان آبادی و پیشنهاد برادراعتمادی اشاره کردم. ایشان گفتند که با برادر هاشم برو و هر چه گفت انجام بده. بسیار خوشحال شدم و خداوند را سپاس گفتم که در آزمون قبلی یازدهنی آزمون نشدم. حال که از پشت مرگ حتمی نجات یافته بودیم با انگیزه مضاعفی یک سر راهشیم به برادر افتادیم. عزیزان خواننده دقت داشته باشند که حرکت ۳۰۰ نفر نیروی رزمنده با سلاح و تجهیزات، در زیر آتش، در کتالی که برای تردرپیک فرساخته شده، تردردخوشن نوعی عملیات به حساب می‌آید ولو این که هیچ درگیری فیزیکی هم با کسی نداشته باشی. ۳ کیلومتری به عقب برگشتیم، در سیم نداشتیم برگشت با گردان‌های جلورونده در کاتال بر خوردهای داشتیم که سبب کندی حرکت می‌شد. به خط اول عراقی‌ها رسیدیم. این‌جا به بعد می‌بایستی به سمت راست می‌رفتم. می‌دیدم، جلوتر که رفتم عراقی‌ها مسیر حرکت ما را زیر آتش شدید تانک گذاشتند.

تانک‌ها را که از فاصله کمی دورتر به سمت ماشلیک می‌کردند می‌دیدم ولی چون ماوریت ما دور از آن‌ها بود و امکان شکار تانک‌ها هم برای ما میسر نبود، اجباراً به راهمان ادامه دادیم.در بین راه صحنه‌های رقت بار و جان گدازی را شاهد بودیم. تعدادی از هم‌زمان که ظاهراً از برادران تبریزی بودند زیر آوار سنگ‌های عراقی‌ها که به وسیله‌ی تانک‌ها زده شده بودند مانده بودند، بعضی از آن‌ها هنوز زنده بودند و با زبان ترکی درخواست کمک می‌کردند. تعدادی از آن‌ها شهید شده بودند و به دلیل شدت درگیری امکان تخلیه‌ی آنان فعلاً میسر نبود.

این صحنه‌ها را با همه‌ی هیاهایش باید می‌دیدیم و در محله‌ی گافی اتفاق می‌افتاد که پشت سرم را که ننگه می‌کردم می‌دیدم نیروها نیامده‌اند. برمی‌گشتم و متوجه می‌شدم که بر اثر شلیک تانک به کاتال چند نفر مجروح شده و برادران را گرفتار نموده است. به زحمت آن‌ها را حرکت می‌دادم گاهی جلو گردان، گاهی عقب گردان در کاتال گرفتار گلوله‌های مستقیم تانک‌ها می‌شدند و این مهم کار را در ادامه دادن مسیر بسیار بسیار دشوار می‌نمود. با همه سختی‌هایش موقتاً از تیر رس تانک‌ها خارج شدم و خود را به عقب دشمن رسانیدم. جایی که عراقی‌ها تصور حضور ما را نمی‌کردند. یک سازماندهی مختصری انجام دادیم. تعدادی از نیروها در این مسیر با به شهادت رسیدند یا مجروح گردیدند که با این حجم آتش و نیرو قابل پیش بینی بود. با برادر اعتمادی و هماهنگی‌های لازم صورت گرفت. از این مسیر و به دلیل

بازتاب عملیات ایران در گزارش‌های خبرگزاری فرانسه، رسانه‌های خبری